

دانوب در گرو

مجارستان و اسلوواکی بر سر دو سد که میراث دوران کمونیسم است با یکدیگر اختلاف دارند. این مشاجره طی دو سال گذشته دستخوش ملاحظات سیاست داخلی شده و دائم در اوج و فرود است

جیورجی مولدوا

نویسنده مجارستانی که یکی از کتابهای معروفش «دانوب می‌سوزد» است

پل‌ها ویران می‌گشتند.

نیل به توافق‌های فنی و مالی بیست سال طول کشید. در ۱۹۷۷، جمهوری مجارستان و جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی معاهده‌ی احداث سد‌های گابچیکوو - ناجیماروس را امضا کردند.

شکی نبود که منطقه در رنج است. طبق بررسی‌ها، دانوب طی سال‌ها دچار کم‌آبی بود که این به حیات گیاهی و جانوری منطقه صدمه می‌زد و صدها کشتی را در مسیری به طول دویست و پنجاه کیلومتر به گل می‌نشانید. هدف اولیه‌ی طرح، اصلاح کشتیرانی بود، اما بحران‌های نفتی دهه‌ی هفتاد، تولید برق را هم به هدف قبلی اضافه کرد.

هدف رؤیایی

قرار شد مخزنی عظیم روی دانوب ایجاد شود که بین دو کشور مشترک باشد و از آنجا یک آبراه هفده کیلومتری ۹۰ تا ۹۵ درصد از آب دانوب را به طرف یک مجتمع تأسیسات برق آبی (شامل سد و نیروگاه) در گابچیکوو در چکسلواکی هدایت کند. صد کیلومتر پایین‌تر، در ناجیماروس در مجارستان، سد و نیروگاهی دیگر احداث می‌شد که آبدهی رود را تنظیم می‌کرد.

در ۱۹۷۸، کار طبق نقشه‌ی مهندسان مجارستان، اسلوواکی و اتریش آغاز شد. از حیث تخصص مشکلی وجود نداشت، اما موضوع سیاست گویا از اذهان رفته بود.

در اواخر دهه‌ی هشتاد، نیروهای سیاسی که در انتظار جانشینی نظام سوسیالیستی در اروپای شرقی بودند، توان آن را نداشتند که خواستار خروج ارتش شوروی یا استقرار نظام چندحزبی شوند. بنابراین، تظاهراتی در ارتباط با مسائل زیست‌محیطی برپا کردند. احداث سد‌های گابچیکوو - ناجیماروس هدف رؤیایی این نیروها بود که در حصار نظام سوسیالیستی همچون شکافی به نظر می‌رسید.

تظاهرات بزرگی در خیابان‌های بوداپست و حوالی ناجیماروس به وقوع پیوست. هر کس که به نحوی با پروژه‌ی سد‌ها مربوط بود، مهر استالینی بودن یا حتی خائن به وطن بر پیشانی‌اش حک می‌شد. با افزایش فشار افکار عمومی، دولت مجارستان مجبور شد عملیات را نیمه‌کاره متوقف کند. نهایت و خاتم در ۱۹۹۰ بروز کرد که جناح راست سیاسی به قدرت رسید و معاهده‌ی مذکور را یک‌جانبه فسخ کرد.

اما چکسلواکی‌ها هیچ توجهی به مجارها نکردند و خود عملیات را ادامه دادند. دولت چکسلواکی نیز یک‌جانبه تصمیم گرفت بیست و پنج کیلومتر از دانوب را - که جزو مرز دو کشور بود - به داخل خاک خود هدایت کند تا سدی دیگر

از رودها تشکر کنیم که حیاطمان را به آنها می‌دهیم. آنها به ما آب می‌دهند تا بنوشیم، زمین‌ها را بکاریم و کشتی‌هایمان را به حرکت درآوریم. تنها مشکل آن است که رودها نقش مرز را هم خوب ایفا می‌کنند. آنها به جای این که شاهد اتحاد انسان‌ها باشند، شاهد ملت‌هایی بدگمان‌اند که زهر مبارزات سیاسی اندیشه‌شان را آلوده و در دو سوی رودها، چون گرگ به هم خیره شده‌اند. من این زهر را در رود دانوب، بین مجارستان و اسلوواکی دیده‌ام.

این رود همیشه مسبب فجایع گوناگون بوده است: گاه به خروش آمده و ساکنان روستاهای بسیار را واداشته به ارتفاعات بگریزند، گاه چنان پای پس کشیده که مزارع خشکیده و کشتی‌ها یکباره از حرکت ایستاده‌اند.

تیر و تراجان، امپراتوران روم، نخستین کسانی بودند که مهندسان را برای لگام زدن به دانوب هوسباز استخدام کردند. اما نیرو و تخصص لازم برای مهار کامل این رود تا قرن بیستم فراهم نشد.

در ۱۹۵۱ طرح‌هایی برای احداث یک رشته سد در مجارستان و چکسلواکی تهیه شد. اتحاد شوروی شدیداً خواهان اجرای این طرح‌ها بود، زیرا عمق دانوب حرکت کشتی‌های بازرگانی آن کشور را به سمت شرق اروپا دشوار می‌ساخت. در آن زمان، کمتر کسی از خود می‌پرسید که

دخالت انسان در وضعیت «مادر طبیعت» کاری عاقلانه است یا خیر. علم می‌گفت رودخانه‌ای به قامت دانوب نه به یک سد که به چند سد نیاز دارد، زیرا در غیر این صورت رسوبات افزایش می‌یافت، کشتیرانی مختل می‌شد، سواحل تخریب و



مشخصات دانوب

طول: ۲۸۵۰ کیلومتر
سرچشمه: فلات جنگل سیاه
مصب: دریای سیاه
کشورهای ساحلی: آلمان، اتریش، مجارستان، اسلوواکی، کرواسی، یوگسلاوی، رومانی، بلغارستان، اوکراین.
جمعیت سواحل: ۸۵ میلیون نفر.

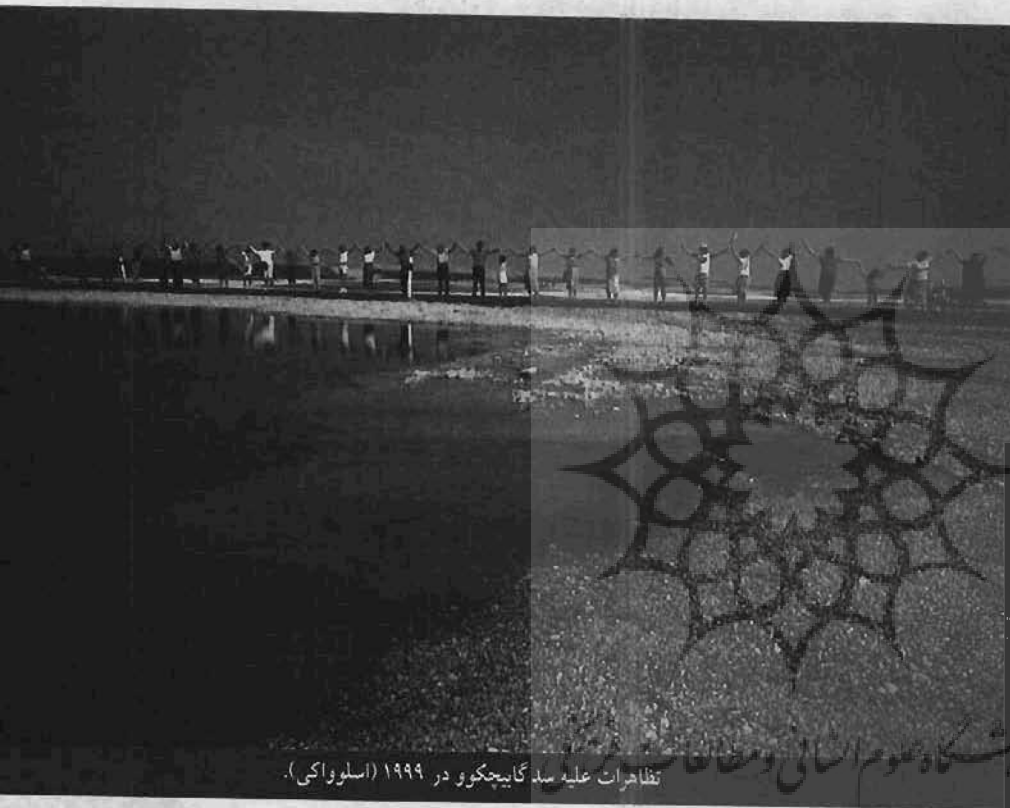


اما اژدهای سیاست دیگر بار سربلند کرد. جناح راست مجارستان که در هوای انتقام بود با حزب سبزها متحد شد تا تظاهرات راه بیندازند. دولت برای دومین بار ناچار به عقب‌نشینی شد. دولت سوسیالیست‌ها که به زانو درآمده بود، تیر خلاص را در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۸ دریافت کرد. عناصر جناح راست که دولت تازه را به دست دارند، در برنامه انتخاباتی‌شان وعده کرده بودند که دانوب را شفا

به جای آن که قرار بود در مجارستان ساخته شود، احداث کند. تأسیسات گابچیکوو به اندازه پیش‌بینی شده نیرومند نمی‌شد، اما به هر حال برپا می‌شد. تظاهراتی در مجارستان صورت گرفت، اما حاصلی نداشت. تاریخ از تظاهرکنندگان پشتیبانی نمی‌کرد. هنگامی که چکسلواکی به دو کشور تقسیم شد، اسلوواکی‌ها گابچیکوو را نماد کشور مستقل‌شان تلقی کردند که در سال ۱۹۹۳ متولد شد.

در اواخر اکتبر ۱۹۹۲، مسیر دانوب را منحرف کردند و بستر اصلی آن در خاک مجارستان یکباره ۹۰ تا ۹۵ درصد از آب خود را از دست داد. تیرک‌های شاخص سطح آب، دیگر در خشکی قرار گرفتند. سطح سفره‌های آب زیرزمینی ظرف چند دو - سه متر نزول کرد. کاهش آبدهی رود چنان ناگهانی بود که ماهی‌ها لابه‌لای گل و لای جان دادند.

مجارها مبهوت شدند. تندروها از منفجر کردن سد سخن به میان آوردند که به احتمال قوی باعث جنگ می‌شد. خوشبختانه با وساطت اتحادیه اروپا که از کشتارهای بالکان هراسان شده بود، تهدید به سرعت جای خود را به مذاکره داد. طرفین گفت‌وگو را آغاز کردند، اما موازنه قدرت آشکارا به نفع اسلوواکی بود، زیرا بخش عمده آب رودخانه و تمامی نیروی آن را در چنگ داشت و به خواست‌های مجارستان اهمیتی نمی‌داد. دعوی طرفین در آوریل ۱۹۹۳ به دادگاه بین‌المللی لاهه ارجاع شد.



تظاهرات علیه سد گابچیکوو در ۱۹۹۹ (اسلوواکی).

حکم مبهم

در ۱۹۹۴، جناح چپ دوباره قدرت را در مجارستان به دست گرفت، اما برای توقف روند قضایی با دشواری بزرگی روبه‌رو بود. رجوع به دادگاه رویدادی مهم معرفی شده بود و دادگاه می‌رفت که برای نخستین بار یک دعوی زیست‌محیطی را حل و فصل کند. البته در حقیقت، موضوع سیاست در بین بود نه آب. دادگاه سرانجام در ۱۹۹۷ حکمی مبهم صادر کرد که هر دو طرف می‌توانستند آن را به سود خود تعبیر کنند: معاهده ۱۹۷۷ معتبر باقی بود، اما هر دو طرف به خاطر اقدامات یک‌جانبه مقصر بودند؛ مجارستان به خاطر فسخ آن و اسلوواکی به خاطر ادامه آن. دادگاه از آنها می‌خواست که با حسن نیت وارد مذاکره شوند. هر چند دادگاه هیچ امکانی برای تحمیل نظرش نداشت، مذاکرات از سر گرفته شد. از آنجا که دولت هر دو کشور در آرزوی عضویت در اتحادیه اروپا می‌سوختند، می‌خواستند به همسایگان ثروتمند غربی خود نشان دهند که می‌توانند اختلافات‌شان را به شیوه‌ای متمدنانه حل کنند. دیگر زمان آن رسیده بود که پروژه به‌طور کامل اجرا و شدیدترین مشکلات زیست‌محیطی از میان برداشته شود.

خواهند داد. اما سه سال و نیم سیری شده و هنوز هیچ اقدامی که ارزش ذکر داشته باشد، صورت نگرفته است. مجارستان میلیون‌ها دلار صرف تخریب سد نیمه ساخته کرده و از آنجا که قرارداد قبلی را فسخ نموده، شاید مجبور شود چند میلیون هم برای جبران غرامت اسلوواکی بپردازد. سخن از تشکیل کمیته‌های جدید یا رجوع مجدد به دادگاه لاهه می‌رود. این نشان می‌دهد که طرفین هنوز تصمیم نگرفته‌اند مسئله را برای همیشه حل و فصل کنند. البته با نزدیک شدن زمان انتخابات پارلمانی در هر دو کشور (در ۲۰۰۲) به زودی علایمی در این جهت صادر خواهد شد.

اگر این روزها سری به کناره‌های دانوب بزنید، خواهید دید که منطقه گابچیکوو در اسلوواکی در نهایت شکوفایی است اما در مجارستان، منطقه‌ای که قرار بود ذخیره گاه آب باشد پوشیده از علف است. تکلیف دانوب چه شده است؟ در دانوب دیگر نه آب که سیاست جاری است، آن هم سیاسی کثیف.